

همیشه خبری

صفحه آخر
تاسر زلف تو در دست نسیم افتادست
دل سوزده از غصه دو نیم افتادست
حافظ

■ حضرت امیر المؤمنین علی:

گناهی که شرمسارت سازد، نزد خدا بهتر است از کار نیکویی که خود بسندتی ات آورد.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۲ ■ غروب آفتاب: ۱۸:۴۶
■ اذان مغرب: ۱۹:۰۵ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۵۶
■ اذان صبح فردا: ۳:۴۷ ■ طلوع آفتاب فردا: ۵:۱۹

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ مدیر: دانیال معمار■ پذیرش آگهی:
■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰■ توزیع و اشتراک:
■ موسسه نشرگستر امروزتوین
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
■ کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶-۱۹۳۵۱۵۴۴۴
■ تلفن: ۲۲۰۳۳۰۰۰، ۲۲۰۴۶۰۶۷، ۲۲۰۳۳۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

گربینویچ

نجات از هواپیمای آتشین



حتی وقتی روی زمین باشیم، تصور آتش گرفتن یک هواپیما در آسمان می تواند ما را تا حد مرگ بترساند. حالا فکرش را بکنید که مسافران یک هواپیما، واقعا در آسمان به چشم خود ببینند که موتور هواپیما آتش گرفته است. مسافران پرواز داخلی در اوهایو در آمریکا، بی نهایت خوش شانسی بودند که از دل چنین جهنمی، زنده بیرون آمدند. بوئینگ ۷۳۷ یک خط هوایی آمریکایی کمی بعد از بلند شدن، دچار حادثه‌ای عجیب شد و احتمالا به خاطر ورود یک پرند به موتور، دچار حریق شد. مسافران در داخل کابین، به چشم خود آتش مهیب موتور را دیدند و در فیلم‌هایی که حالا به دست رسیده، میزان وحشت‌زدگی آنها کاملا مشخص است. با این حال آنها بسیار خوش شانس بودند که هواپیما خیلی از فرودگاه دور نشده بود و خلبان با خونسردی و مهارت کامل، هواپیما را سالم به زمین نشاند و هیچ کس آسیب ندید. مسافران هم با یک هواپیمای دیگر به مسافرت خود ادامه دادند.

قاچاق مواد با بچه گربه!



قاچاقچی‌ها برای جا بسا به جا کردن مواد، باید حساسی خلاق باشند و تازه وقتی لو می‌روند، ایده‌های ابتکاری شان فاش می‌شود. در روسیه، یک زن برای اینکه توجه‌ها را به خود جلب نکند، یک بچه را در یک کالسکه گذاشته بود و مواد را در لباس بچه جاسازی کرده بود. کسی البته به این مسئله شک نکرد اما وقتی پلیس متوجه همان بازرسی اول، متوجه شدند یک جای کار، حساسی می‌لنگد. بجای‌ها که در این کالسکه قرار داشت، نه بچه انسان که یک توله گربه بود! این زن، در واقع یک گربه پیدا کرده و لباس نوزاد این او کرده بود و به جای بچه خودش، آن را جا زده بود. پلیس در بازرسی لباس گربه، چندین بسته مواد پیدا کرد.

ویلای تایتانیکی



افراد زیادی هستند که می‌خواهند خانه‌ها و ویلاهایشان، ظاهر متفاوتی داشته و منحصر به فرد باشند و تا حالا ایده‌های عجیب زیادی پیاده شده‌اند اما یک مرد در هند، ویلایی ساخته که ظاهرش، هرگز نظیر نداشته‌اش و خانه‌اش را درست مثل کشتی معروف تایتانیکی درست کرده و حساسی معروف شده است. منتور روی که در بنگال غربی زندگی می‌کند، از بچگی آرزو داشته خانه‌ای به شکل کشتی غرق شده تایتانیکی داشته باشد و در آن زندگی کند. او این آرزو را سرانجام عملی کرد و در سن ۵۲سالگی، خانه‌ای ساخت که درست مثل کشتی مسافری بری معروف تایتانیکی است. ایده ساخت این خانه، از یک جشنواره محلی در هند به ذهن او وارد شده است. در این جشنواره، یک فروشنده غرقه‌ای به شکل کشتی تایتانیکی درست کرده و وقتی روی آن را دید، با خودش گفت حالا که او توانسته این غرقه را بسازد، من هم می‌توانم به آرزویم برسیم و خانه‌ای تایتانیکی بسازم. این کار البته آنقدرها هم آسان نبوده مهندسان و معماران زیر بار این ایده نمی‌رفتند و آن را عجیب و نشدنی می‌خواندند تا اینکه در نهایت خود مجبور شد این خانه را طراحی کند و بسازد. او ۳سال در میانمار دوره بناپی و سنگ‌کاری دید و بعد از صرف حدود ۲۰۰هزار دلار، خانه رویایی‌اش را ساخت.

فرهنگ و زندگی

همه در بازار مادرها، مهربان هستند

«ایما کایتل» در نگاه اول درست مثل هر بازار دیگری در نیلسن؛ فروشنده‌ها صبح تا عصر کنار هم بساط می‌کنند و از میوه گرفته تا پارچه، هر چیزی که مردم بخواهند را می‌فروشند. اما اگر در میان ۵ هزار بساطی که در چند ساختمان چند طبقه و ده‌ها دهکده که در اطراف آن برپا شده قدم بزنید، متوجه یک چیز منحصر به فرد خواهید شد: تمام فروشنده‌های این بازار، بدون استثنا، زنان هستند.

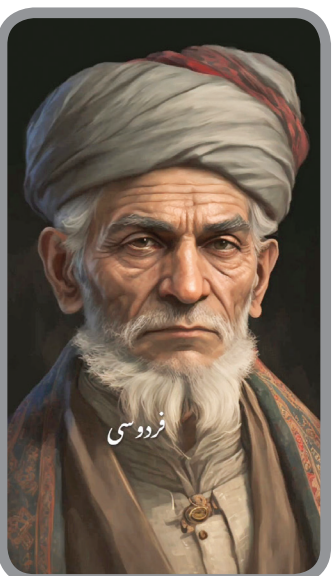
ایما کایتل که در زبان محلی یعنی بازار مادران در ایماپال، مرکز ایالات مانیبور در شمال شرقی هند قرار دارد و بزرگ‌ترین بازار کاملاً زنانه دنیا به شمار می‌رود. مردان می‌توانند وارد این بازار شوند اما فقط برای اینکه خرید کنند، به‌عنوان نگهبان کار کنند و یا فقط جای به فروشنده‌ها بفرشند. هر گونه دادوستد دیگری، صرفاً مختص زنان است.

این فضا، نه فقط خریداران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به آنها حس اعتماد بیشتری می‌دهد که برای خود فروشنده‌گان هم خوشایند است و آنها احساس می‌کنند در کنار خواهران خود کار می‌کنند. این بازار، قوانین خاص خودش را دارد و هر کسی نمی‌تواند وارد آن شود. بر اساس سنت‌ها، تنها زنان متاهل می‌توانند در آن کار کنند و ورود به آن هم کار آسانی نیست؛ وقتی که یک فروشنده می‌خواهد کارش را ترک کند و بازنشسته شود، خودش جانشین‌اش را معرفی خواهد کرد و بساط او به نفر انتخابی‌اش می‌رسد. به همین خاطر است که فروشنده‌گی در این بازار، کسب و کار خانوادگی است و موارد زیادی وجود دارد که یک گوشه از بازار، از یک مادر بزرگ به دختری و بعد از آن به نوه او رسیده است. با توجه به پیشینه این بازار، این اتفاق کاملاً عادی است. ایما کایتل، در قرن شانزدهم در دوره یکی از پادشاهان محلی شکل گرفت و در ابتدا بازاری رویاب‌سود. در آن زمان، تهدید نظامی برمه و چین علیه پادشاه محلی، چنان زیاد بود که تمامی مردان مجبور شدند وارد ارتش شوند. به همین خاطر، تنها زنان در شهر باقی ماندند و کسب و کارهای خانوادگی‌شان را در بازار مادرها کار می‌کنند.



تا خیال چهره‌اش در چشم ماست...*

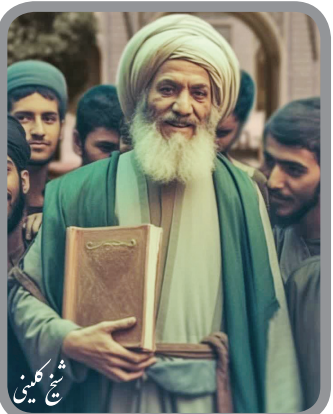
درباره معجزه تازه هوش مصنوعی که چهره برخی از مفاخر ایرانی را تصویر کرده است



زردوسی



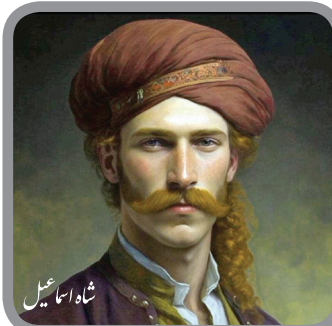
علامه مجلسی



شاعر سیدی



* مصراع‌ی سروده خاقانی شروانی



شاه اسماعیل



شاعر سیدی

فرهنگ و زندگی

همه در بازار مادرها، مهربان هستند

به‌دست گرفتند. در ابتدا، آنها فقط سبزی و ماهی می‌فروختند اما به مرور زمان، بازار گسترده‌تر و محصولات بیشتری عرضه شد. ایماپال، در موقعیت استراتژیکی قرار دارد و در قرن‌های اخیر، به قطب اقتصادی تبدیل شده و بازار مادرها هم اهمیت و اثرگذاری اقتصادی بیشتری پیدا کرده است. اثرات آن البته فقط اقتصادی نیست و حضور و فعالیت اقتصادی زنان در این بازار، دستاوردهای سیاسی و اجتماعی مثبتی برای جامعه زنان در این ایالت داشته است.

برای نمونه زنان در سال ۱۸۹۱، علیه یک قانون تجاری که توسط استعمارگران انگلیسی تصویب شده و تجارت خارجی را بر فعالیت‌های اقتصادی محلی ترجیح می‌داد تظاهراتی عظیم به راه انداختند و باعث عقب‌نشینی انگلیسی‌ها از اعمال این قانون شدند. در سال ۱۹۳۹ زنان این بار علیه صادرات برنج محلی این ایالت به دیگر بخش‌های هند وارد عمل شدند و در مقابل ارتش صف آرایی کردند و در نهایت، در تقابلی که امروزه جنگ دوم زنان خوانده می‌شود، برنده شدند. آنها این روحیه را همچنان حفظ کرده‌اند و در سال ۲۰۰۳، وقتی دولت محلی اعلام کرد که می‌خواهد در محل بازار آنها یک مرکز تجاری مدرن احداث کند، چندین هفته اعتصاب کردند و باعث فلج شدن اقتصاد ایالت شدند. همین کار، باعث شد تا دولت محلی عقب‌نشینی کند.

محققان می‌گویند: چند سده حضور فعال زنان در عرصه عمومی، باعث شده زنان نقش چشمگیری در زندگی اجتماعی این ایالت داشته باشند. در حال حاضر، این ایالت بیشترین نرخ سواد بین زنان را دارد و پیشرو برابری جنسیتی در سراسر کشورشان است. علاوه بر آن، رواداری نژادی و مذهبی در این ایالت چشمگیری است و با وجود اینکه اکثریت مردم آن نژاد مائیتی هستند، دیگر نژادها و پیروان دیگر مذاهب از جمله مسلمانان، به راحتی بدون در دستر در جامعه زندگی می‌کنند و تعداد زیادی فروشنده مسلمان دهه‌هاست که در بازار مادرها کار می‌کنند.

هوا خوب

پمپ رو بزَن

هر سال به همین منوال است؛ کولرهای آبی که بخش عظیمی از پشت بام‌ها را اشغال کرده‌اند، ظهر یک روز جمعه سرویس می‌شوند، پوشال‌هایشان عوض می‌شود، موتور و شلوارشان چک می‌شود و آب که کف کولر را پر می‌کند و به پوشال‌ها می‌رسد، آن‌ها کلید نجات‌دهنده زده می‌شود تا یکی از نوسال‌ترین‌ترین بویها، همراه خنکای باد کولر به مشام‌ها نرسد و برگردیم به ۲۰-۱۰ سال پیش. حتی پنکه هم با وجود قدمت بیشتر نمی‌تواند اینطور روح تابستان را با خودش به همراه بیاورد. کولرهای آبی که بیشتر از عمه‌از سال‌ها در حال استراحتند، قرار است یکی دو ماه از بهار و ۳ ماه تابستان خانه را خنک کنند و از گرمای نجات‌مان دهند، البته اگر پدرها بنگارند! چون کولرها نازشان بیشتر از وسایل دیگر مثل یخچال و فریزر در خانه است. این را پدرها می‌دانند، برای همین بعد از چند ساعت کار کردن مداوم، آن را خاموش می‌کنند تا استراحت کند و بعد با اعتراض اعضای دیگر خانواده به گرم‌ا، دوباره مشغول کار شود.

راه انداختن کولر آبی تخصص زیادی نمی‌خواهد و به همین دلیل هم، پدرها خودشان می‌روند روی پشت‌بام و تا کم‌در یک قوطی مکعب‌شکل آبی‌رنگ فرو می‌روند و کولر را سروسس می‌کنند. یک نفر دیگر هم می‌ایستد جلوی کلبه‌های کولر تا آن را روشن یا خاموش کند. با این حال خیلی‌ها این روزها کار راه انداختن کولر را به سروسس کار کولر می‌سپارند و خودشان را به زحمت نمی‌اندازند. اگر جزو این گروه هستید، باید بعد از سروسس کولر، باز هم جابجایی عملگر کولر‌تان را ببندید و اگر دیدید آب از زیر کولر چکه می‌کند، بی خیال از آن نگذرید. یک جست‌وجوی اینترنتی نحوه راه‌اندازی دوباره کولر را بخوانید و خودتان دست به کار شوید تا پول اضافه هم ندهید. بعد از اینکه کولر را راه‌انداختید می‌توانید لم بدهید و از خنکای مطبوع یاد آن لذت ببرید. هر از گاهی هم روی به سایرین کرده و یک جوری که انگار بدبختی‌ترین جمله دنیا را می‌گویید بر سرید: ولی خیلی خوب خنک می‌کنه، نه؟

تابستان فقط برای عده‌ای با بوی پوشال خیس خورده آغاز می‌شود، اما برای یک عده دیگر که به جای کولرهای آبی، چیلر و کولر گازی توی خانه‌شان دارند، تابستان احتمالاً یک جور دیگری و با یک بو و حس دیگری شروع می‌شود که ما خیلی‌ها از آن خیر نداریم. فقط خواستیم بگوییم حتی این کولرهای گازی هم سروسس می‌خواهند و اینجوری نیست که کنترل را بردارید، یک دکمه را فشار دهید و بنشینید روی میل تا باد بخورد به‌صورت تان. گاهی نیاز است یک تعمیرکار خبر کنید. چون اصولاً پدروانه حتی پسرها از سروسس کردن کولر گازی سر در نمی‌آورند و یک قطعه را تعویض کنید تا کولر بعد از چند وقت کار کردن نسوزد و کلی خرج روی دستتان نگذارد. از ما می‌شنوید، چه کولر آبی دارید و چه گازی همین امروز فردا که هوا هنوز خیلی گرم نشده، دست به کار شوید و سروسس کولر‌ها را نگذارید برای یک ظهر جمعه گرم.

خوش‌خبر

ریشه‌کنی سرخجه و سرخک

با اینکه در کشورمان تقریباً همه نوزادان در همان چندماهگی واکسن‌های سرخجه و سرخک را می‌زنند، اما باز هم در نقاط دورافتاده گاهی خبری می‌شنیدیم از اینکه این بیماری‌ها دیده شده و همین خبرها باعث نگرانی می‌شود. حالا اما خبر خوب این است که سازمان جهانی بهداشت ریشه‌کنی سرخجه و سرخک را در ایران تأیید کرده است. در واقع گزارش پیشرفت سالانه توسط کمیته ملی تأیید حذف سرخجه و سرخک در ایران به کمیته مستقل منطقه‌ای این سازمان ارسال شده و در پی بررسی جزئیات و داده‌های مربوط به سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، ریشه‌کنی این بیماری‌ها در کشور ما تأیید شده است. این موفقیت در شرایطی برای کشور حاصل شد که هنوز بسیاری از کشورهای اروپایی، تأییدیه سازمان جهانی بهداشت در خصوص ریشه‌کنی سرخک و سرخجه را دریافت نکرده‌اند! اما کشور ما موفق به ریشه‌کنی این بیماری‌ها شده است. وزیر بهداشت هم ابراز امیدواری کرده که با مشارکت مردم و نظام سلامت، بتوان بسیاری دیگر از بیماری‌های واگیردار را کنترل و مهار کرد.



درخت تبریزی علیه آلودگی

باید بگوییم که تبریزی‌ها گل کاشته‌اند، البته بهتر است بگوییم درخت در واقع تبریزی‌ها یک درخت مصنوعی ساخته‌اند که به اندازه ۷۵۰۰ ساله درخت سوزنی، هوا را تصفیه می‌کند. تصور کنید این درخت طی یک سال ۱۱ میلیون مترمکعب هوای پاک تحویل ریه به‌تک آدم‌ها می‌دهد. اگر فکر می‌کنید محصول گرانی است و قرار نیست حالا حالا‌ها به تولید انبوه برسد، سخت در اشتباهید. این درخت مصنوعی تمام ایرانی به اندازه یک سماور برقی، برق مصرف می‌کند و خوشبختانه مواد اولیه و سوخت شیمیایی آن بسیار ارزان قیمت بوده و به وفور در دسترس است. از کم و کیف این درخت اگر بخواهید مطلع شوید باید بگوییم مواد اولیه‌ای که در محلول‌های بارش استفاده می‌شود، در این درخت صنعتی به کار گرفته شده و این محلول، تقریباً کارکرد همان محلولی را دارد که کشور آمریکا آن را تولید کرده و به کشورهای دیگر از جمله مکزیک می‌فروشد، آن هم به قیمت گزاف. حالا قرار شده با توجه به آلودگی هوای تبریز به‌ویژه در فصول بارش و مواقع وارونگی هوا، به تعداد مورد نیاز از این دستگاه تولید شده و در نقاط پرترد و آلوده از جمله هسته مرکزی شهر، پالایشگاه و مناطق صنعتی نصب شود و تبریز با آلودگی هوا خداحافظی کند؛ باشد که به‌زودی پای این درخت مصنوعی مفید و کاربردی به پایتخت و کلانشهرها هم باز شود و هوای پاک را به اسمان این شهرها هدیه دهد.

کمر درد، آچمز می‌شود

دنیا امروز با همه آسانی و رفاه نسبی که به همراه داشته، ولسی بعضی از دردها را تشدید می‌کند و آه از نهاد هر بنی بشری برمی‌آید. ولسی خب، درد یک‌طرف سکه است و درمان طرف دیگر آن. حالا هم خبر خوب ما این است که درمان کمردرد و دیسک در یک‌قدمی تحقق کامل است. محقق دانشگاه صنعتی امیرکبیر بالاخره توانسته دانش فنی ساخت داربست بین‌مهره‌ای را بومی‌سازی کند. این یعنی، کمردرد یا اختلاط بین‌مهره‌ای که خیلی‌ها میسران را راهی اتاق عمل می‌کند، قرار است آچمز شود، آن هم در همین ایران خودمان نه با سفر به دیاری دیگر و صرف هزینه و وقت زیاد. این محقق، موفق به طراحی و ساخت داربستی برای بازسازی و کاهش دردهای دیسک بین‌مهره‌ای شده که بر پایه هیدروژل ژلاتینی است و تلاش شد خاص بافت را به خواص بافت دیسک مهره‌ای نزدیک کند. فکرش را بکنید با چنین محصول فناوری یک روز صبح از خواب بیدار شوید و دیگر نه دیسک تا آذیت کند نه کمردردی ماندۀ باشد که متوسل به مسکن شوید. تازه این هنوز اول کار بوده و است دانش فنی این موضوع را برای بافت‌هایی چون تاندون و قرنیه چشم و غضروف هم امتحان کنند که بعد از آن دردهای بیشتری تسکین می‌یابد.

بوک مارک

خانم دلوی

ویرجینیا ولف
خانم دلوی گفت که گل را خودش می‌خرد. آخر لوسی خیلی گرفتار بود. قرار بود درها را از باشنده در آورند، قرار بود کارگران راه‌میسر بیایند. خانم دلوی در دل گفت: عجب صبح دل‌انگیزی از آن صبح‌هایی که در ساحل نصب کودکان می‌شود. چه کلک‌کلی! چه شیرجه‌ای! آخر همیشه وقتی همراه با جیر جیر ضعیف لولاها که حال می‌شنید، پنجره‌های قدی را باز می‌کرد و در بورتن به درون هوای آزاد شیرجه می‌زد، همین احساس به او دست می‌داد.

دیالوگ

کوچه بی‌نام

هافت علیمردانی
حاج مهدی: پشت دهات ما به دشتی بود، فصل بهار پر می‌شد از گلای شقایق. ۸-۹ سالم بود بامم دستمو گرفت آورد شهر شده شاگرد کفاش. دیکه هیچ وقت بهار اون دشتو ندیدم، برای اینکه فصل چار خدا سر کار بودم. فقط کار کردم، دلم خوش بود به اینکه بچه‌هام عاقبت بخیر می‌شن. کارایی که من کردم، شاید ننونی مثل بچه‌های دکتر مهندسا بهش افتخار کنی، ولی هر چی بود دستام تو گرم و سرما پیسته بست به خاطر اینکه دلم قرص بود پشتمون به هم گرمه من کاری واحد، هر کاری که می‌کنی، بدون به خدایی بالا سرته، داره می‌بینت، همین...